



زلزله شدید ۷/۳ ریشتری در استان کرمانشاه

مردم ایران را در سوگ هموطنان شان نشاند

لعنت به این آوار

دستور ویژه دکتر فرهاد رهبر:

مسئولان امکانات دانشگاه را

در اختیار آسیب دیدگان قرار دهند



«فرهیختگان» در گفت‌وگو با کارشناسان بررسی کرد

راست و دروغ

بیت کوین»۹

دیدار اهالی فرهنگ با خانواده شهید «مصطفی موسوی»

امضای سردار سلیمانی

پای کتاب مصطفی»۶

« یادداشت روز

دل مردم گرد نلرزد

دل‌م نلرزید از زلزله ۷/۳ ریشتری که یکشنبه‌شب همه چیز را در شهرهای غربی کشور زیر و رو کرد و خواب را بر چشمان مان حرام. دل‌م نلرزید از ویرانی‌ها و از دست دادن بیش از ۱۵ تن از اعضای خانواده‌ام و صدها تن از اعضای خانواده بزرگ‌ترم؛ چرا که دل‌م قرص بود به دست‌های مهربان و همدلی مردمی که در زمان مصیبت‌ها متحدترین مردم دنیا هستند.

من فرهاد تجری مردمی‌ان‌نماینده‌گی می‌کنم که سال‌های سال است با انواع مصیبت‌ها با صوری برخورد کرده‌اند و هیچ کس و هیچ چیزی نتوانست بر صلابت و ایستادگی آنها آسیبی وارد کند. تاریخ کهن این سرزمین خود شاهی است گویا از رشادت‌ها و مردانگی کردهای سرزمینم. ایران می‌بالد به چنین مردمی که اینک گرفتار بلایی شده‌اند که از ترک و فارس و بلوچ و عرب و... دست‌هایشان را برای کمک دراز کرده‌اند. زمانی که رنگ گوشی‌ام به‌صدا درآمد و پیش از آنکه بخواهم کاری بکنم، صدها هموطن شناس و ناشناس صدافانه و خاضعانه برای یاری و کمک‌رسانی داوطلب شدند. این است آنچه باعث شد تا من به‌عنوان نماینده مردم کرد مصیبت‌زده، دل‌م نلرزد.

کردها قرن‌هاست که پاسدار مرزهای کشوری هستند که خاک آن را سرمه چشمان شان کرده‌اند. خاکی که یکشنبه‌شب لرزید اما هیچ چیز را جابه‌جا نکرد. اگر روزگاری توطئه‌گران قصد داشتند دل‌های این مردم را از سرزمین‌شان دور و با تهدید و تطمیع مرزها را جابه‌جا کنند، هیچ کردی دلش دچار تردید نشد که همین‌جا همین خاک است که سال‌ها پاسداری‌اش را کرده و برای اعتلای آن باید تا جان در بدن دارد تلاش کند. به‌عینه ثابت شد دلیل این همه بافتشاری‌ها و اصرارها که خود را از چنین خاکی دانستن. من اینک یکی از مصیبت‌زده‌های زلزله‌هستم و دردوری عزیزانم شاید تا آخر عمر هیچ التیامی نداشته‌باشد، اما مهر و محبت‌های هموطنان و مسئولانی که از همان دقایق اولیه زلزله، پیگیر برای کمک‌رسانی و یاری مردم‌بوده‌اند، دل‌م را قریص‌تر از همیشه کرده است.

در این روزها همه ملت ایران صاحب عزا هستند، همدل و هم‌زمان برای التیام زخمی که بر گوشه‌ای از پیکر ایران عزیزمان وارد شده، وارد کارزار شده‌اند و هرکس از طریقی به دنبال کاهش دردهای کردهای سرزمینش است. کردهایی که سختی‌ها و کمبودها را تحمل کرده‌اند اما هرگز فرصت به دست دشمنان نداده‌اند. در شب‌های سرد شهرها و روستاهای کردنشین، این هوای گرم و پشت گرمی مردم ایران است که توانسته سوز سرما را تحمل پذیر کند. پیام قدرت و همبستگی مردم ایران بار دیگر برای تمام جهان فرستاده شد که ایرانیان از هر قومی و مذهبی درد هموطنش را درد خود می‌داند و در هر گوشه‌ای از این کشور باشد برای کمک همچون سلول‌های بدن به سمت زخم می‌نشاند و از هیچ کمکی دریغ نمی‌کند. درگذشتگان زلزله در آرامش به خواب رفته‌اند و پیام آرامش بخش هموطنان برای شادی روح آنها و تسکین آلام بازماندگان به اندازه میلیون‌ها بار از شب زلزله بر لب‌ها زمزمه شده است. زمانی که پیام برای رساندن خون به بیمارستان‌ها اعلام شد، به ناگهان این صدهای طولانی مردم ایران بود که برای اهدای خون‌شان در مقابل بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها کشیده شد. از مردم کشورم از همه اقشار ممنونم که کردهای سرزمین‌شان را تنها نگذاشتند و تجلی واقعی «بني آدم اعضا یکدیگرند»، هستند. سال‌های سال شاید طول بکشد تا خسارات این زلزله جبران شود اما مردم ایران ثابت کرده‌اند که در هر بلایی در کشور همچون کوه پشت هم ایستاده‌اند، از جهاد در جنگ تحمیلی تا دفاع از آب و خاک و تلاش برای اعتلای نام ایران در جهان، امتحان خود را خوب پس داده‌اند و همین باعث می‌شود دل هیچ کس در این سرزمین نلرزد، حتی اگر زلزله وقوع پیدا کند.

بحران « خبرنگاری بحران»

از نخستین ساعات پس از زلزله دریاقتیج با بحران در «خبرنگاری بحران» مواجه هستیم. به بیان دقیق تر نوع عملکرد صداوسیما در این حادثه حتی عملکرد سنتی در اطلاع‌رسانی نیز نبود و رسانه ملی عملکردی آشفته و پرتناقض و ناشی از عدم آمادگی برای اطلاع‌رسانی در زمینه بحران از خود به نمایش گذاشت.

در این میان هریک از مسئولان مربوطه اطلاعاتی متناقض ارائه می‌دادند. در مواجهه با این امر اساسا خبرنگار باید این پرسش را مطرح می‌کرد که چرا مسئولان تا این اندازه پرتناقض و در تضاد با هم صحبت می‌کنند که متأسفانه چنین مطالبه‌ای مشاهده نشد. این موضوع نشان می‌داد رسانه ملی از مجریان توانمندی که بتوانند تضادها و تناقض‌های بحران را سریع شناسایی کنند و نسبت به آن عکس العمل به‌موقع نشان دهند و آنها را به چالش بکشند، بی‌بهره است. در ادامه شاهد آن بودیم که مسئولان در صداوسیما گزارش می‌دهند. به‌طور نمونه جلسه ستاد بحران وزارت کشور پخش می‌شود و معاون سازمان مدیریت بحران کشور مدام در حال مصاحبه است. یک گزاره در تمام این مصاحبه‌ها تکرار می‌شود که آرامش کامل در مناطق زلزله‌زده برقرار است و به شایعات توجه نکنید و به رسانه‌های رسمی اعتماد کنید، در حالی که رسانه رسمی جز انتشار گزارش‌های رسمی مسئولان خروجی دیگری ندارد. مردم منتظر ایفای نقش خبرنگاران مستقل در این بحران هستند که در صحنه حضور دارند یا اطلاعات مفیدی را می‌توانند در اختیار مخاطبان قرار دهند. صداوسیما در طول ۲۴ ساعتی که از این بحران گذشت نتوانست با خبرنگاران بحران در صحنه ارتباط بگیرد. به بیان دقیق‌تر همان گزارشگری که گزارش اربعین را می‌گیرد، گزارش بحران را هم می‌دهد و این یعنی صداوسیما هیچ تفکیکی مبتنی بر تخصص گرایی در زائرهای مختلف خبری بین کارمندان و خبرنگاران خود قائل نیست. چنین اتفاقی نشان‌دهنده آن است که قرار نیست اطلاعات دقیقی ارائه شود. بحران «خبرنگاری بحران» سرنایای صداوسیما را فرا گرفته است. مردم در لحظات ابتدای بحران اطلاعات و گزارش از میزان فاجعه می‌خواهند، می‌خواهند بدانند در سریل ذهاب چه خبر است، چه می‌گذرد و تصویر حتی تاریک آنجا را ببینند.

رسانه باید بتواند توضیحاتی مستدل از حجم واقعه را در اختیار مخاطب قرار دهد. شبکه خبر هر پنج دقیقه به مردم می‌گوید به شبکه‌های اجتماعی اعتماد نکنید و تنها مرجع اخبار صداوسیماست اما خود، هیچ داده متقنی ارائه نداده و در مقابل آمارهای متضاد و مخالف را منتشر می‌کند. این نشان از سرگشتگی استراتژیک در صداوسیما دارد و وضع به گونه‌ای است که هنوز بعد از بحران‌های متعدد در کشور، متولیان اطلاع‌رسانی نمی‌دانند باید چه کنند. جنگ هشت‌ساله باید باعث تجربه‌آموزی خبرنگاران بحران می‌شد که نشد. بلایای طبیعی متفاوت و متعدد و مشابه در دسته‌های مختلف از توفان و گردوخاک گرفته تا زلزله در کشور ما بارها تکرار شده است؛ اما هنوز وقتی این اتفاقات رخ می‌دهد رسانه ملی غافلگیر می‌شود و با دستپاچگی کامل با این مسائل برخورد می‌کند. با وجود این برخی می‌گویند چرا مخاطب را از دست می‌دهیم و چرا مردم برای کسب اخبار به توئیتر مراجعه می‌کنند.

نتیجه این عملکرد، بی‌اعتمادی مردم به رسانه است. صداوسیما در میان مدت باید تکلیف خود را مشخص کند که رسانه دولت است یا رسانه مردم؟ مسئولان دولتی تنها القای آرامش می‌کنند و این در حالی است که خانه‌ها بر سر مردم خراب شده. القای آرامش کاذب و القای اعتماد کاذب به ضد خود بدل می‌شود و جامعه بی‌اعتماد و ملتهب هم به منابع خبری دیگری مراجعه می‌کنند. از آنجا که ایران یک کشور بحران‌خیز است باید در استراتژی خود در تربیت خبرنگار بحران تجدید نظر جدی کنیم.

ادامه در صفحه ۱۶

گزارشی از دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران بعد از طرح تجمیع

بزرگ ترین دانشگاه علوم پزشکی «تهران»

دانشگاه آزاد اسلامی با تجمیع این واحدهای پزشکی به‌منظور استفاده بهینه از امکانات آموزشی و پژوهشی قصد دارد به قطب علمی کشور در این رشته تبدیل شود

«۱۲،۱۳»

سیاسی کاری برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای در مواجهه با زلزله غرب کشور

غارت همگرایی ملی

سیاسی کاری در متن مصیبتی که جامعه را داغدار کرده چندان بی‌سابقه نیست. حادثه دلخراش پلاسکو و سوءاستفاده جریانی خاص در آن هنوز از یادها نرفته

«۳»

« مساله روز

زلزله کاسبی ندارد

۱- زمین شروع می‌کند به لرزیدن و لوسترها چراغ‌ها تکان تکان می‌خورند و کتاب‌های توی قفسه‌ها می‌ریزند پایین؛ یعنی زلزله آمده است. وحشت می‌ریزد توی جان مردم و می‌گردند دنبال راه فرار یا جان‌پناهی. آنها که نیک‌بخت‌ترند، آشیانه‌شان آسیبی نمی‌بیند. آنها که بدشانس‌تر باشند خانه‌خراب می‌شوند ولی جان سالم به در می‌برند. اما گاه در این

میان سقف و دیوار خانه‌ها می‌ریزند بر جان و تن آدمیان و داغی می‌گذارند بر دل‌ها که تا ابد سرد نمی‌شود. زمین می‌لرزد و آدم‌ها را به معنای واقعی کلمه خانه‌خراب می‌کند. میان زن و مرد و پدر و فرزند فاصله می‌اندازد و عکس‌ها مخابره می‌شوند از «مادری نشست‌ه بر سر نعش دختر» و «پدري که دست خالی آوارها را کنار می‌زند» و انگار دوباره «بم» شده است و هزارهزار حامد عسگری توی مغزت می‌خوانند «بنویسد زنی مرد که زنبیل نداشت! پسری زیر زمین بود و پدر بیل نداشت...»

۲- عکس‌ها که مخابره می‌شوند و خبرها که می‌رسند، آتش می‌افند به جان مردم. بغض‌ها که شکست و اشک‌ها که ریخت، هر کس راه می‌افتد تا در حد توان کاری کند. با اهدای خون، یا رساندن پتو و کنسرو و آب‌معدنی، یا کارت به کارت کردن مبلغی که از دست‌شان برمی‌آید، دنبال آن هستند که آتش افتاده بر خانه هموطن و هم‌وع‌شان را خاموش کنند. خبرهای تازه‌تر می‌رسند و داغ‌ها تازه‌تر می‌کنند.

۳- زلزله همه چیز را زیر و رو می‌کند و فرصت مناسبی می‌شود برای کاسبی



رضا مشتاقی
روزنامه‌نگار

« یاد

همه ما داغداریم

قلب ما هم دوباره از این اتفاق دردناک به درد آمد. هموطنان ما در کرمانشاه، سریل ذهاب، قصر شیرین و ایلام باید بدانند که ما هنرمندان مثل همیشه در غم‌شان شریک هستیم و هرکاری که از دست‌مان بر بیاید برایشان انجام می‌دهیم.

الان همه مردم ایران عزادار هستند و این غم فقط برای غرب کشور نیست؛ همه کسانی که در این حادثه غیرمترقبه آسیب دیدند مثل مادر، پدر و بچه‌های ما هستند. باید برایشان همه امکانات را فراهم کنیم. واقعا من نمی‌دانم چه چیزی بگویم. همه ایران عزادار هستند. از شی که این اتفاق افتاده، خواب به چشمان ما نیامده است. درست مثل همه هموطنان‌مان که در غرب کشور یکشنبه‌شب در آن سرما خواب به چشم‌هایشان حرام شد. همه ما داغدار این حادثه هستیم. باید با هم هماهنگ باشیم تا بتوانیم هرچه زودتر به داد داغ‌دیدگان این حادثه برسیم. همه هنرمندان در این چند ساعت هم اعلام کرده‌اند حاضرند هر کاری را برای زلزله‌زدگان انجام دهند. اهدای خون، آماده کردن وسایل ابتدایی زندگی مثل چادر، پتو و مواد غذایی مثل کنسروهای تازه و آب‌معدنی باید در اولویت رسیدگی برای مردم باشد. مردم کرمانشاه بدانند همان‌طور که برای اتفاقات دیگر همراه مردم بم و تبریز بودیم، همراه این عزیزان هم هستیم و ما را هم در این درد عظیم شریک بدانند.



رویا تیموریان
بازیگر

« یاد

امیدوارم این اتفاق بیدارمان کند

همیشه اتفاق‌های ناگوار که می‌افتد طبعاً اول اندوه است، بعد خشم و سپس ابراز همدردی. کار دیگری از دست‌مان بر نمی‌آید. مصیبت بزرگی است. وظیفه‌مان است تا همدردی کنیم با غم و غصه هموطنان‌مان. خداوند صبر بدهد. خیلی‌ها چند نفر از اعضای خانواده‌شان را از دست داده‌اند. به شدت از این اتفاق غمگینم. امیدوارم یک کمی این اتفاق‌ها بیدارمان کند. یک هفته یا ۱۰ روز دیگر از یادمان نرود. مثل زلزله‌های بم و تبریز، این حادثه از یادمان نرود. این ساخت و سازهایی که صورت می‌گیرد درست و اصولی باشد. در بسیاری از تصویرهایی که می‌بینیم نوشته شده است که مسکن مهر را دولت ساخته در حالی که این کار پیمانکار است. آدمی مثل همه ما. الان خانه‌ها ویران شده و بسیاری از زندگی‌ها نابود شده است. امیدوارم خداوند به همه خانواده‌ها صبر دهد و ما انسان‌ها را با هم مهربان کند و یادمان باشد در هر موقعیتی که هستیم، زدن یک امضای الکی می‌تواند جان خیلی از هموطنان‌مان را بگیرد.



هادی حجازی‌فر
بازیگر

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر علی اکبر ولایتی
ریاست محترم هیات‌موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی
درگذشت ناگهانی برادر همسر گرامی‌تان مرحوم محمدشهاب خوشنوسان موجب تأسف و تألم شد. بدینوسیله این ضایعه را به جنابعالی، بیت مکرم، فرزندان و بازماندگان آن مرحوم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش و مغفرت و معفرت و برای سایر بازماندگان صبر و سلالت مسالت می‌نمایم.
هیات‌رئیس، استاذان، دانشجویان و کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران

باز گشت همه به سوی اوست

جناب آقای دکتر علی اکبر ولایتی
رئیس محترم هیات‌موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی
با کمال تأسف و تأثر درگذشت ناگهانی برادر همسر گرامی‌تان جناب آقای محمدشهاب خوشنوسان را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش و مغفرت و برای جنابعالی، خانواده محترم و بازماندگان صبر و شکیبایی مسالت می‌نمایم.
هیات‌رئیس، اساتید، کارکنان و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

نماینده مردم اسلام آباد غرب:

بزرگ ترین فاجعه آنجایی بود که

بیمارستان تازه تاسیس در این

منطقه زودتر از همه جا

فروریخت

«۷»